

هجرت به حبشه

نویسنده:

محمد بن فارس الجمیل

ترجمه و تحقیق:

دکتر رضا طاهر خانی

مهران آهویی

آفتاب

موسسه انتشاراتی آفتاب گیتی



سرشناسه	: الجمیل، محمد بن فارس
عنوان قراردادی	: الهجره الى الحبشه: دراسات مقارنة للروايات. فارسی
عنوان و نام پدیدآور	: هجرت به حبشه / نویسنده محمد بن فارس الجمیل: مترجم رضا طاهر خانی، مهران آهوئی.
مشخصات نشر	: تهران: آفتاب گیتی، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۲۴۵-۷۷۸-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق.
موضوع	: ۶۳۲ Muhammad, Prophet, d.
موضوع	: نجاشی، پادشاه حبشه. - ۹ ق.
موضوع	: هجرت
	: - Hijrah ۶۳۲ Muhammad, Prophet, d.
	: صحابه
	: -- Companions ۶۳۲ Muhammad, Prophet, d.
	: مسلمانان -- اتیوپی -- تاریخ
	: Muslims -- Ethiopia -- History
موضوع	: اتیوپی -- مهاجرت -- تاریخ
	: Ethiopia-- Emigration and immigration -- History
شناسه افزوده	: طاهر خانی، رضا، ۱۳۵۶ - مترجم
شناسه افزوده	: آهوئی، مهران، ۱۳۲۸ - مترجم
رده بندی کنگره	: ۹/ BP۲۲
رده بندی د.زی	: ۲۹۷ ۹۳/
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۷۰۳۴۶۶
اطلاعات رتورد کتابشناسی	: فیبا

www.ketab.ir

آفتاب گیتی

عنوان: هجرت به حبشه

نویسنده محمد بن فارس الجمیل

مترجم: رضا طاهر خانی، مهران آهوئی

نشر و پخش: موسسه انتشاراتی آفتاب گیتی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

چاپ: فذک

قیمت: ۹۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۴۵-۷۷۸-۵

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران میدان انقلاب ضلع جنوب شرقی- نبش خیابان ۱۲ فروردین- ساختمان

ولیعصر- پلاک ۱۳۱۴ - طبقه سوم واحد ۹

۰۲۱۶۶۹۶۹۸۳۷۰۹۱۲۳۳۴۲۳۶۲ و پخش همراه: www.aftabegiti.com نشر و پخش همراه:

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	مقدمه
۱۰	مهاجرت و دلایل آن
۱۸	هجرت اول
۲۲	آمادگی برای هجرت و کوچ به سوی حبشه
۲۷	بازگشت مهاجران به مکه
۳۴	هجرت دوم
۴۳	موضع قریش در مورد مهاجرین
۴۳	موضع نجاشی در مورد مهاجرین
۵۱	مضمون روایات
۵۴	موضع نجاشی در مورد مهاجرین و نمایندگان قریش
۵۶	رابطه پیامبر ﷺ و نجاشی
۶۳	نجاشی معاصر رسول خدا ﷺ
۶۶	بازگشت جعفر و یارانش از حبشه
۷۲	بازگشتگان به همراه جعفر
۸۷	پایان سخن
۹۱	پیوست ها
۱۴۰	پی نوشت ها
۱۷۵	کتابنامه مترجمان:
۱۷۹	ضمایم:
۱۸۳	کتابنامه مؤلف:

سخن از مهاجرت به حبشه (۱)،^{*} ماجرای تاریخی و در عین حال جدید است. بسیاری از منابع اولیه تاریخ، تقریباً از اشاره به آن خالی نیستند و گاهی می‌بینیم که برخی از این منابع به طور مفصل به آن پرداخته‌اند.^۱ و همچنین مشاهده می‌شود که برخی از پژوهش‌های جدید در رابطه با تاریخ اسلام در پرداختن به موضوع هجرت به حبشه نقش داشته‌اند، و تلاش نموده‌اند تا انگیزه‌ها و دستاوردهای آن را شناسایی کنند.^۲

ولی با وجود توجه تاریخ نگاران قرون گذشته به موضوع این مهاجرت و تلاش‌های محققین و پژوهشگران معاصر برای فهم آن هنوز این موضوع به نتایج قطعی دست نیافته است، زیرا برخی از محققین در بیشتر موارد به اطلاعات تکراری برگرفته از یک یا چند روایت تکیه کردند و بدون آن که به یک مقایسه دقیق در میان تمامی روایات مختلف بپردازند به یک دیدگاه سطحی اکتفا کرده‌اند. بنابراین جای تعجب نیست که بیشتر این تلاش‌ها، پاسخ‌های قانع کننده‌ای به سؤالات و پرسش‌های قدیمی و جدید در رابطه با این مهاجرت ارائه نکرده‌اند.

و طبعاً در گنجایش این گفتار نیست که انتظار رود به تمامی پرسش‌ها در رابطه با این مهاجرت پاسخ دهد چرا که این گفتار یک تلاش دیگر به شمار می‌رود ولی می‌توان گفت وجه تمایز آن با پژوهش‌ها و گفتارهای قبلی، آن است که متون روایت‌های مختلف در رابطه با این مهاجرت و مقایسه آن‌ها با جوانی شده است و از این رو تلاشی برای ارائه یک تصویر جدید از این موضوع به شمار می‌رود. با این امید که پاسخی به برخی پرسش‌ها در رابطه با این موضوعات باشد: حقیقت این مهاجرت و دلایل آن، انگیزه‌هایی که باعث انتخاب حبشه به عنوان مکان این مهاجرت شد و نیز تلاش برای شناخت مکانی که مهاجران در حبشه به آنجا رفتند. و همچنین دانستن این که آیا این مهاجرت یک مرتبه اتفاق افتاده یا دو بار و یا به صورت پیوسته و مستمر بوده است؟ و این که از نزدیک با

* شماره‌های که این گونه در متن قرار گرفته‌اند توسط مترجمان (در رابطه با موضوع مورد بحث) در بخش پی‌نوشت‌ها مورد تحقیق قرار گرفته‌اند.

۱. مانند: ابن اسحاق، السیر و المغازی؛ ابن هشام، السیرة النبویة؛ عروة بن زبیر، المغازی؛ موسی بن عقبه، المغازی؛ ابن سید الناس، عیون الاثر؛ سهیلی، روض الانف، الکلاعی، الاکتفاء. همچنین مولفان تواریخ عمومی، همچون طبری در تاریخ الرسل و الملوک و یعقوبی در تاریخ یعقوبی و ابن اثیر در الکامل فی التاریخ و ابن کثیر در البدایة و النهایة و ابن خلدون در العبر.

۲. شاید آخرین کتاب‌هایی که محققین معاصر به صورت علمی راجع به مهاجرت تالیف کرده‌اند چنین باشد: محمود شاکر «مع الهجرة الى الحبشة، بیروت ۱۹۸۷ و ۱۴۰۷ ق» و علی الشیخ احمد ابوبکر، معالم الهجرتین الى ارض الحبشة، ریاض ۱۴۱۳ ق. ۱۹۹۳ م. و صلاح التجانی حمودی، «هجرة المسلمين الى الحبشة اسبابها و نتائجها» مجله العصور، جلد ۹، جزء دوم، صص ۲۴۵-۲۷۰ (۱۴۱۴ ق/ ۱۹۹۴ م).

دیدگاه و نظر قریش نسبت به این مهاجرین آشنا شویم. و نیز نظر نجاشی (پادشاه حبشه) نسبت به دو طرف: کفار قریش و مهاجرین مسلمان. و سپس شناخت نجاشی که همزمان با رسول خدا ﷺ در حبشه پادشاهی می‌کرد و نوع روابط میان آن دو و سرانجام پرداختن به موضوع دلایل ماندن جعفر و یارانش برای مدت طولانی در حبشه و دلایل بازگشت آنها.

مهاجرت و دلایل آن

در نتیجه فشارهای قریش نسبت به مؤمنین در مکه، پیامبر ﷺ به اصحاب خویش توصیه کردند تا به حبشه مهاجرت نمایند و این اشاره و توصیه در روایات مختلفی آمده که مفهوم آنها یکسان و الفاظشان مختلف است. شاید مشهورترین این روایات آن است که ابن اسحاق از رسول خدا ﷺ نقل کرده که آن حضرت هنگامی که اصحاب و یاران خویش را در فشار و سختی دید به آنها دستور مهاجرت به حبشه را داد و فرمود:

«در آنجا پادشاهی است که در سرزمینش به مردم ستم نمی‌شود. در سرزمین راستی، پس نزد او خود را حفظ کنید تا خداوند مقتدر و بلند مرتبه گشایشی برای شما ایجاد کند و راه خروج از مشکلات را برای من و شما قرار دهد».

و در روایت دیگری آمده که رسول خدا ﷺ زمانی که مؤمنین را در آزار و شکنجه به دست کفار قریش دید، به آنها فرمود: در زمین پخش شوید. گفتند: به کجا برویم ای رسول خدا؟ فرمود: به آنجا و با دست خویش به حبشه اشاره نمود. و آن سرزمینی بود که ایشان خیلی دوست داشت به آنجا مهاجرت کنند و پس از آن بود که تعدادی از مسلمین به آنجا مهاجرت کردند.^۱

پیش از آن که به عواملی که باعث شد مسلمانان به حبشه مهاجرت کنند و نه جای دیگر، لازم است که به دلایلی بپردازیم که منجر به فکر کردن در مورد خود مهاجرت شد.

۱. محمد بن اسحاق المطلبی، السیر و المغازی، تحقیق سهیل زکار، (دمشق: مجله دار الفکر، ۱۳۹۸ ق/ ۱۹۷۸ م) ص ۱۷۴، مقایسه کنید با عبدالمک بن هشام الحمیری، السیرة النبویة، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم البیاری و عبدالحفیظ شلبی (بیروت، مجله دار احیاء، بی‌تا) از ۱/۳۴۴ - ۳۴۵ در منابع سیره صورت‌های مختلفی برای دستور رسول خدا ﷺ به اصحابش برای هجرت به حبشه آمده مانند: «لو خرجتم الی الارض» و «تفرقوا فی الارض» و «أذن الله تعالی لهم بالهجرة» و «امرهم رسول الله بالخروج الی الحبشة» و «أذن لهم رسول الله فی الخروج» و «الحقوا بأرض الحبشة» نگاه کنید: ابوبکر، معالم الهجرتین ...، صص ۳۷-۴۲.

۲. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، (بیروت ۱۹۶۸ م، ۱۳۸۸ ق)، جلد ۱ صص ۲۰۳-۲۰۴.